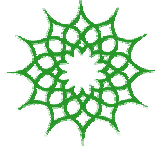


بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



وزارت علوم، تحقیقات و فناوری

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

مدیریت تحصیلات تکمیلی

پژوهشکده زبان شناسی

## پایان نامه کارشناسی ارشد رشته فرهنگ و زبان های باستانی

### رام یشث

استاد راهنما :

دکتر مهشید میرفخرایی

استاد مشاور :

دکتر محمد تقی راشد محصل

پژوهشگر :

سلمان علی یاری بابلقانی

شهریور ماه 1388



وزارت علوم، تحقیقات و فناوری  
پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
مدیریت تحصیلات تکمیلی

هیأت داوران در تاریخ ۱۳۸۸/۶/۱۸

پایان نامه کارشناسی ارشد رشته فرهنگ و زبانهای باستانی « آقای سلمان علی یاری بابلقانی »

تحت عنوان

« رام یشت »

را بررسی کردند و پایان نامه با درجه به تصویب نهایی رسید.

۱. استاد راهنمای پایان نامه، سرکار خانم دکتر میرفخرایی با مرتبه علمی استاد
۲. استاد مشاور پایان نامه، جناب آقای دکتر راشد محصل با مرتبه علمی استاد
۳. استاد داور خارج از گروه، جناب آقای دکتر ابوالقاسمی با مرتبه علمی استاد
۴. استاد داور داخل از گروه، سرکار خانم دکتر دربندی با مرتبه علمی استادیار

امضای رئیس پژوهشگاه

امضای مدیر گروه

امضای نماینده مدیریت

تحصیلات تکمیلی

با سپاس فراوان از خانم دکتر میرفخرایی که با دقت و شکیبایی بسیار، بارها این متن را باز خوانی و کاستی های آن را به بنده گوشزد کردند.

و با سپاس از آقای دکتر راشد محصل که سمت استاد مشاوره این پایان نامه بر عهده ی ایشان بوده و با سپاس از استادان ارجمند، آقای دکتر ابولقاسمی و خانم دکتر دربندی.

## چکیده

رام نام پانزدهمین یشت از بیست و یک یشت اوستا است که به ستایش ایزد وای اختصاص دارد. این یشت دارای 11 کرده و 57 بند است که در آن نام و خواسته کسانی که وای را یزش کرده اند ذکر می شود و از ایزد وای همچون نیرویی که بر هر دو آفرینش سپند مینو و انگره مینو چیره است یاد می شود. او ایزدی است با دو چهره ی نیک و بد که در دوره ی میانه هر یک به عنوان ایزد و دیوی مستقل با نام وای نیک و وای بد ظهور می کنند. نیمه ی اهریمنی وای یعنی وای بدتر با استوبهاد دیو مرگ یکی می شود و وای نیک ایزد جنگ، رامش بخش برای همه ی آفرینش، پشتیبان روان بر سر چینود پل و همکار اورمزد در آفرینش می شود. ویدن گرن شخصیت دوگانه این ایزد را بن مایه اندیشه دوگانه انگار زردشت می داند، اما زرن معتقد است که وای هیچ ارتباطی با تقابل دو نیروی خیر و شر در تفکر زردشتی ندارد. در این گزارش که شامل؛ پیشگفتار، متن اوستایی، حرف نویسی، ترجمه ی فارسی، یادداشت ها، واژه نامه و کتاب نامه است، تلاش بر آن بوده است تا با توجه به تلاش های پیشین، ترجمه ای روان و منطبق با حالات دستوری واژه ها ارائه گردد. به واژه های مبهم نیز که تا کنون اتفاق نظری در مورد آنها نبوده، تا حد امکان در یادداشت ها پرداخته شده است.

## فهرست مطالب

### بخش یکم

7.....	کوتاه نوشت ها.....
8.....	پیشگفتار.....
18.....	متن اوستایی.....
27.....	حرف نویسی متن اوستایی.....
37.....	برگردان فارسی.....
49.....	یادداشت های برگردان فارسی.....

### بخش دوم

60.....	واژه نامه.....
130.....	کتاب نامه.....
2.....	چکیده به زبان انگلیسی.....

## کوتاه نوشت ها

اسم	ا.
پیشوند فعل	پ.ف
حرف اضافه	ح.ا
حرف ربط	ح.ر
جلد	ج
ستاک	س.
صفت	ص
صفت دارندگی	ص.د
صفت -ضمیر اشاره	ص.ض.ا
صفت -ضمیر پرسشی	ص.ض.پ
صفت عددی	ص.ع
صفت فاعلی	ص.ف
صفت مفعولی	ص.م
صفحه	صف
ضمیر شخصی	ض.ش
فعل	ف
قید	ق
موصول	م
یادداشت	ی

## نشانه ها

تصحیح	+
توضیح	( )
اضافه	< >
نگاه کنید	←

پیشگفتار



## پیشگفتار

### اوستا

اوستا کهن ترین سرودهای دینی ایرانی و کتاب مقدس زردشتیان است و زبانی را که این کتاب به آن نوشته شده است اوستایی می نامند. برای زبان متون اوستایی نمی توان تاریخ دقیقی را مشخص کرد و تعیین جایگاه جغرافیایی آن نیز غیر ممکن است. از ویژگی های آوایی آن به وضوح مشخص می شود که این زبان، گویش رایج در پارس نبوده است اما در باره ی اینکه این زبان به کدام بخش ایران تعلق داشته نظریات گوناگونی داده شده که هرچند خیلی دور از ذهن نمی نمایند، قانع کننده نیستند. طبق این نظریات، زبان اوستایی متعلق به شمال غربی (نظر تدسکو)، شمال شرقی (نظر مورگنشتیرنه)، خوارزم (نظر هنینگ)، سیستان (نظر نیولی) یا مرو-بلخ (نظر هومباخ) بوده است (← کلنز، صف 75). زبان اوستایی را بنابر ملاحظات زبان شناختی باید دارای دوگویش دانست؛ گویشی که در گاهان، سروده های زردشت، به کار رفته و قدیم تر است و گویشی که در دیگر بخش های اوستا به کار رفته و جدیدتر است. چنانکه از کتاب های هشتم و نهم دینکرد بر می آید، اوستای دوره ی ساسانی بیست و یک نسک (=کتاب) داشته، که اوستای امروزی تنها حدود یک سوم آن را داراست و شامل پنج بخش یسن، ویسپرد، وندیداد، یشت و خرده اوستا است (← ابولقاسمی، صف 17).

## یشت ها

واژه ی یشت (اوستا -yašti)، از ریشه ی -yaz: یزش کردن، ستایش کردن، از نظر واژگانی با واژه های فارسی چون یزش، جشن، یسن هم ریشه است. یشت بخشی از اوستا است که از نظر زبانی متعلق به اوستای نو و از نظر درون مایه، مرتبط با دوره ی پیش از زردشت و پرستش ایزدان و ایزدبانوان کهن ایرانی است. هر یشت معمولاً در ستایش یکی از ایزدان و یا مفاهیمی چون فره (اوستا -x<sup>v</sup>arənah) و فروشی ها (اوستا -frauuāši) است.

"همه ی یشت ها از نظر قدمت یکسان نیستند. از میان آن ها یشت های 1 تا 4 و 12 و 18 و 20 به بعد در زمان نسبتاً متاخری تالیف شده اند، اگرچه بعضی از آن ها مطالب بسیار قدیم تری را در بر دارند. از میان یشت ها، ناهید (یشت 5)، فرودین (یشت 13)، ارد (یشت 17) و زامیاد (یشت 19) به حق یشت های بزرگ نامیده شده اند. از نظر سبک و مطالب، یسن 9 (هوم) و یسن 57 و یشت 11 (سروش) مشخصات یشت های بزرگ را دارند. هم چنین درواسپ (یشت 9)، بهرام (یشت 14)، ویو (یشت 15) و دین (یشت 16) در مواردی مشخصات یشت های بزرگ را دارا هستند. اما از نظر شکل ظاهری و گاهی مطالب، ناقص به نظر می رسند." (تفضلی 1378، صف 44).

"نام بعضی از یشت ها با مضمون آن ها مطابقت ندارد. مثلاً آشتاد یشت درباره ی فرّه ایرانی (یا آریایی) است و زامیاد یشت (مشتق از زَم: زمین) در باره ی فرّه کیانی است. همچنین رام یشت درباره ی ویو (ایزد هوا و فضا) است." (تفضلی 1378، صف 45).

## رام یشت

رام یشت، که نام آن از ایزد رام (اوستا -rāman) گرفته شده، پانزدهمین یشت از بیست و یک یشت اوستا و درباره ی وای (اوستا -vaiiu) ایزد هواست. "بارتولومه این یشت را با عنوان، تالیف سست جدید، وصف کرده است. با این حال ضمن مطالعه در متن آن می توان دو طبقه تاریخی را در آن تشخیص داد. نسبت به قسمت های ابتدایی یشت (بندهای 1-5) و قسمت اخیر آن (بندهای 38-58) که به نثر هستند و گاه در جای جای آن ها بعضی کلمات منظوم مشاهده می کنیم، داوری بارتولومه درست به نظر می آید. لیکن قسمتی که حاوی ادعیه و اذکار پهلوانان در پیشگاه ویو است، و از بند 6 تا بند 37 را شامل می شود، از دوره های خیلی متاخر نیست. در این قسمت چه از حیث زبان و چه از باب قواعد دستوری و روش انشاء و اوزان، سبک یشت های قدیم را ملاحظه می کنیم. رام یشت مانند یشت های قدیم حاوی روایات کهن مربوط به تاریخ داستانی ایران است و با تفصیلی همراه است که در موارد دیگر یافت نمی شود." (کریستین سن 2537، صف 133).

این یشت از 11 کرده و 57 بند تشکیل شده است. بند 0 و بند پایانی یعنی 58، مانند درآمد و فرودی هستند که در آغاز و پایان دیگر یشت ها نیز می آید و جزء متن این یشت نیستند. بند نخست با پذیره ی شیر و باژ، ایزد وای را فراخوانده و می ستاید. از بندهای 2 تا 41 نام و درخواست کسانی آمده است که ایزد وای را ستوده اند، که به ترتیب عبارتند از اهوره مزدا (اوستا- ahura- mazdā)، هوشنگ (اوستا- haošiiianha)، تهمورس (اوستا- taxma- urupa)، جم (اوستا- yima)، دهاکه (اوستا- dahāka)، فریدون (اوستا- ũraētaona)، گرشاسپ (اوستا- kərəsāspa)، ائوروساره (اوستا- auruuu'sāra)، هوئس (اوستا- hutaosā) و دوشیزگان به مرد نرسیده، که این بخش به یشت 5 یعنی آبان یشت شباهت دارد. بند های 42 تا 57، به جز بند 54 و 57 که ستایشی است خطاب به ایزد وای، همگی خود ستایی های این ایزد است که خطاب به زردشت، از چیرگی و برتری خود بر هر دو آفریدگان سپندمینو (اوستا- spənta- mainiiu) و انگره مینو (اوستا- anra- mainiiu)، چابکی و دلیری خود سخن می راند و نام های بسیار خود را بر می شمرد و از زردشت می خواهد که در جنگ و تنگناهای دیگر نام های او را بر زبان راند.

## وای

وای (اوستا- vaiiu، فارسی میانه wāy) از ریشه ی -vā: وزیدن و هم ریشه با واژه ی اوستایی vāta- باد، از جمله ایزدان کهن هندو ایرانی و ایزد هوا و جنگ، نزد ایرانیان باستان است. نام یشتی که در اوستا به او اختصاص دارد رام یشت است، ایزدی که نام او معنی آرامش می دهد و چنانکه در بندهش آمده است، روان چهارپایان، پس از مرگ، به او می پیوندد (←فرنیغ دادگی، صف 49). "نمی دانیم مایه و سبب نزدیکی زیاد رام با وایو چه بوده است. دارمستتر اصرار دارد که همانند میثرا آنچه زمینه ی این بستگی را فراهم می آورد لقب رام، یعنی دارنده ی چراگاه های خوب است، زیرا وایو به عنوان ایزد فضا و هوا، ارباب و مالک مزرع سبزفلک که گاوهای سپید ابرها در آن می چرند تا به هنگام معین باران-شیر- ببارند نیز هست" (بویس، صف 100). توجیه دیگری در بندهش آمده است؛ وای بدان روی رام خوانده می شود که رامش بخش برای همه ی آفرینش و نیز پذیرنده و خرسندی بخش جان مردگان است (←فرنیغ دادگی، صف 111).

"در قدمت او منازعه ای نیست، زیرا او در سرودهای ریگ ودا rigveda نیز ظاهر شده و سرودی کامل به او اختصاص می یابد. هم در اوستا و هم در ودا او با باد vāta مرتبط است. در ودا، او همچنین مکررا در کنار ایندیرا indira و یک بار در کنار مارتوس martus، ظاهر می شود

و بنابراین، خدای باد تلقی می شود". (زهر 1384، صف 141). " در ودا ... در هنگام اجرای مراسم ایندرا، از آن جا که وای سریع ترین ایزدان است. معمولا اولین جرعه ی سومما به او تعلق می گیرد. در ودا وایو همیشه یک وجه یا چهره دارد. اما وایوی اوستایی دو چهره دارد که یکی از آنها زیان کار است... در سنت های بعدی زردشتی گری آشکارا میان وایوی نیک و وایوی بد که موجودی در حد دیو مرگ است، فرق و تفاوت قائل اند" (بویس، ج 1، صف 98-100).

## وای بد و وای نیک

"در نظام سرسخت ثنوی که زردشتی گری به طور سریع داشت بدان تبدیل می شد، خدای خودرای و مستبد وای نمی توانست جایگاه ثابتی داشته باشد... این خدای کهن به طرز ماهرانه به دو نیم تقسیم شد؛ یک نیم او به سپند مینو و نیم دیگر به انگره مینو اختصاص یافت. به هر صورت همانند همتای ودایی اش، وای در اصل خدای جو بود- آن بادی که نفس عالم اکبر است و بنابراین نفس زندگی- که آدمی را حفظ می کند و سرپا نگاه می دارد. به عنوان نیرویی که بر حرکت هوا نظارت دارد، او همچنین این قدرت را دارد که نفس (=جان) آدمی را نیز بستاند، و از این طریق به خدای مرگ - یعنی یک خدا نه یک دیو- تبدیل می شود" (زهر 1387، صف 217). در متون پهلوی، نیمه ی اورمزدی، وای نیک یا رام و نیمه ی اهریمنی، وای بد یا استویهاد خوانده می شود و "فضای میان جهان روشنی و تاریکی به این دو وای تعلق دارد" (بهار، صف 40). در این مورد در بندهش می خوانیم که "به بهدین آن گونه پیداست <که> هر مزد فراز پایه... اهریمن در تاریکی، به پس دانشی و زدار کامگی، در ژرف پایه بود... میان ایشان تهیگی بود که وای است، که آمیزش <دو نیرو> بدو است (فرنبغ دادگی، صف 33). "وای را آن خویشکاری است <که> در <خود>، هر دو آفرینش رقیب را تحمل کند، چه آن را که سپند مینو آفرید و نیز آن را که اهریمن" (فرنبغ دادگی، صف 47-48).

در بخشی از بندهش که درباره ی دشمنی دو مینو (دشمنی کمالیگان دیوان با ایزدان مینوی) است، می بینیم همانگونه که اهریمن در برابر اهوره مزدا و اکومن در برابر بهمن قرار می گیرد "استویهاد که وای بدتر خوانده شود، بر ضد رام که وای نیکوست" (فرنبغ دادگی، صف 55) قرار دارد.

بنابر بندهش و گزیده های زادسپرم وای بد (استویهاد)، در واقع دیو مرگ است، دیوی که اهریمن او را برای مرگ کیومرث می فرستد (فرنبغ دادگی، صف 53؛ راشد محصل، صف 86). ستاننده ی جان است و از او گریزی نیست. "استویهاد، که وای بدتر است، <او> است که جان را بستاند. چنین گوید که چون دست بر مردم مالد، بوشاسپ <آید>؛ و چون سایه برافگند، تب <آید>؛ و چون او را به چشم بینند، جان را از میان برد، او را مرگ خوانند." (فرنبغ دادگی، صف 121).

ویدن گرن این شخصیت دوگانه ی وای را سرچشمه ی اندیشه ی دوبن گرای زردشت دانسته و بر این نظر است که "زردشت با آموزه ی همزادان، رابطه ای با آموزه ی قدیمی ایرانی در باره ی وجود دوگانه ی ایزد ویو برقرار می کند. این ایزد که در واقع در نظام خویشکاری، در مقام ایزد آغازین ظاهر می شود، می تواند وجودش را به دو مظهر وای خوب و وای بد، تقسیم کند. زردشت از این فکر بهره گرفته، ولی طبق معمول آن را به طور روحانی تفسیر کرده است. به همین علت خدایان همزاد، سپته مئینو و انگره مئینو، در دو ردیف متضاد نیروهای خوب و نیروهای بد وارد می شوند" (ویدن گرن، صف 131). اما زرنر، بر خلاف ویدن گرن، معتقد است که وای هیچ ارتباطی با تقابل میان دو گروه خیر و شر - که خصیصه ی بارز زردشتی گری است - ندارد (← زرنر 387، صف 215). زرنر بر این باور است که در کنار وای نیک و بد، که ایزدان جنگ و مرگ هستند، بایستی وای سومی باز شناخته شود، این وای سوم که فاقد جنبه های بشری است، خود فضای کرانمد است و "و از این طریق با سپهر یا کره ی آسمانی و آسمان، هردو یکی شناخته شده است؛ و هردو نه تنها طاق قوسی آسمان، بلکه همه ی آنچه که درون آن جای گرفته است، تلقی می شوند" (زرنر 1387، صف 219).

### وای ایزد جنگ و جنگاوران

در میان ایزدان ارتشتار هندی، ایندرا در مقام اول قرار دارد... در کنار او وایو خدای باد قرار دارد که نماد حالت دیگری از طبقه ی ارتشتار است؛ نیروی اثیری که تحت هیچ نظامی در نمی آید و هیچ چیز در برابرش قدرت مقاومت ندارد (← موله، صف 53).

چنانکه زرنر به آن اشاره می کند، نام های وای، نیز نشان دهنده ی این است که او پیش از هر چیز خدای جنگ و جنگاوران است، چنانکه در دوره ی ساسانیان، به وی صریحا به عنوان خدای ارتشتاران اشاره می شود. (← زرنر 1384، صف 141).

در بندهش نیز به روشنی، وای ایزد جنگ خوانده می شود؛ "رام که <اورا> وای نیکوی درنگ خدای (dagrand-xwadāy) خوانند، خود ایدون وای درنگ خدای است که در <میان> مینوان، ارتشتاران سالاری را <به> خویشکاری دارد." (فرنیغ دادگی، صف 111) و در جای دیگر به جامه ی ارتشتاری وای اشاره کرده و می گوید؛ "وای نیکو جامه ی زرین، سیمین، گوهرنشان، والگونه ی بس رنگ پوشید <که> جامه ی ارتشتاری است. زیرا فراز رونده <بودن> از پس دشمنان و پتیاره را از میان بردن و آفرینش را پاسبانی کردن <خویشکاری اوست>." (فرنیغ دادگی، صف 47).

## وای و روان مردگان

به جز جنگ، مفهوم دیگری که ایزد وای به آن مرتبط است، سرگذشت روان پس از مرگ و بر سر چینود پل (čīnwad-puhl) است. "روان پرهیزگاران را چون به چینود پل گذرد، وای نیکو دست بگیرد و به آن جای <سزاوار> خویش برد. بدان روی رام خوانده شود که رامش بخش به همه ی آفرینش است. نیز هنگامی که وای بدتر جان را از تن بزند، او، که وای نیکو است، <آن> را بپذیرد و خورسندی بدهد." (فرنیغ دادگی، صف 111).

در ارداویراف نامه نیز، به حضور وای نیک، به هنگام گذر از چینود پل اشاره شده است. (←ژینیو، صف 3). در مینوی خرد، به حضور همزمان وای بد و نیک پس از مرگ و در گذر از چینود پل اشاره می شود؛ "و تا سه شبانه روز روان به بالین تن نشیند و روز چهارم بامدادان به همراهی سروش مقدس (srōš ahlaw) و وای نیک (wāy ī weh) و بهرام نیرومند (wahrām ī amāwand) و با مخالفت استووهات (astwihād) و وای بد (wāy ī wattar) و فرزیشت (frazīšt) دیو و نزشت (nizišt) دیو و با بدخواهی خشم بدکار دارنده ی نیزه ی خونین تا به پل چینور بلند سهمگین - که هر مومن و هر کافری بدان می آید و بسیار دشمن در آنجا ایستاده اند - می رود." (تفضلی 1380، صف 24).

در پایان جهان نیز به نقش و خویشکاری مهمی در مورد وای بر می خوریم. "بعد از فرشکرد fraškart، که در پایان جهان رخ می دهد، وای تبدیل به مکانی برای ارواح پالایش شده می شود" (زهر 1384، صف 143) و بنابر متن فارسی میانه ی روایت پهلوی وای به کردار شتری، مرکب کیخسرو است زمانی که در هزاره ی پایانی به پیشباز سوشیانس می رود؛ "و سوشیانس چون از همپرسی باز آید، آن گاه کیخسرو که بر وای دیرنده خدای (=دارای پادشاهی دراز) نشسته است، به پذیره ی او می آید" (میرفخرایی 1367، صف 60).

## وای، انباز اهوره مزدا در آفرینش

"در وندیداد (3. 19) می بینیم که اهورامزدا از زردشت می خواهد که ثواش thwāša فضا را که تابع قوانین خودش است، زروان نامتناهی (zurwān akarana)، الهه ی زمان، و وایو فوق العاده فعال را ستایش نماید. در این جا وایو و زروان در ردیف ثواش آمده اند که به معنی فضا است و همراه با زمان، از نخستین عوامل و شرایط لازم در ایجاد خلقت و کائنات به شمار می رود. در یکی از این نیایشها... از وایو (=باد) به منزله ی هوا، محیط جو و فضایی نام برده می شود که فاصله ی بین زمین و آسمان را پر کرده و از شرایط اولیه ی خلقت می باشد. (بارص 79-80).

رام یشت

در متون پهلوی، می توان اشاره ی روشنی را از همکاری وای در آفرینش اورمزد، یافت، چنانکه در بندهش چند بار به آن اشاره می شود، اورمزد آفرینش را به یاری وای درنگ خدای می آفریند. (← فرنیغ دادگی، صف 36-37).

## دستنویس ها

گلدنر در تصحیح متن رام یشت از 6 دستنویس استفاده کرده است، که عبارتند از J10، F1، E1، Pt1، M12، K16، که شناسنامه ی این 6 دستنویس بنابر گلدنر صفحه ی iii-xi، به شرح زیر است.

### E1 (ادال جی داراب جی رستم جی سنجانا)

این دستنویس، نسخه ای از خرده اوستا و یشت ها است، در دو جلد و 542 برگه، شامل الفبای اوستا، نیرنگ آغازین، نیایش ها، پتیت ها، نیرنگ ها، آفرینگان 1-3، یشت 1-21، گاه ها، سی روزه، باژها، آفرینگان ریثونین برگه ی 530، (که به دست خط شخص دیگری بعدها افزوده شده).  
F1 (رام جی فریدون جی مدن)

این نسخه از دستنویس های یشت ها است با 277 برگ و "آسدین کاکا دنپال لخمیدر" Asadin Kaka Danpal Lakhmidar از خانواده ی "هرمز یار رامیار" آن را در "نوساری" نوشته و در روز دین از ماه فروردین یزدگردی (=21 ژانویه 1591) پایان یافته است. نخستین برگ این دستنویس گم شده است و با برگه ی دوم آغاز می شود. برگ پایانی نیز در دست نیست، اما رونوشتی برابر اصل آن، به دست خط شخص دیگری بدان پیوست شده است. این دستنویس شامل الفبای اوستایی، نیرنگ آغازین، نیایش 1-5 (برگه های 10-32)، یشت 1-21 (برگه های 35-274) و سه برگه ی پازند است. این دستنویس، که بسیار پاکیزه و دقیق نیز نوشته شده، کهن ترین متنی است که همه ی یشت ها را در بر دارد و بسیاری از دستنویس های یشت از روی آن نوشته شده است.

### J10 (جاماسب جی منوچهر جی جاماسب آسانا. دستور در بمبئی)

این دستنویس، نسخه ای از خرده اوستا و یشت ها است، با 540 برگ، جدید و بدون تاریخ نگارش و با خطی تزئینی ولی بی دقت. بخش اوستایی آن شامل الفبای اوستایی، نیایش های آغازین، همه ی نیایش ها و گاه ها، همه ی یشت ها، سی روزه یشت (سی روزه ی 1 و 2)، آفرینگان ریثونین، آفرینگان گاهنبار، آفرینگان گاث ها، به علاوه ی بسیاری نیرنگ به پازند است.  
K16 (کتابخانه ی دانشگاه کینهاگ)

این دستنویس، مجموعه ای از یشت های کوچک است با 63 برگ، که هرچند فاقد تاریخ نگارش بوده و جدید است اما نسخه ی ارجمندی است. این دستنویس شامل یشت ها، به ترتیب زیر؛ بهرام (برگه ی 1)، خرداد؟ Awerdād (برگه ی 36)، دین (برگه ی 44)، اشتاد (برگه ی 52)، رام (برگه ی 58) است. در برخی جای های این متن میان نویس های فارسی نیز وجود دارد.

### MI2 (مانک جی لیم جی هاتاریا)

این دستنویس در ایران نوشته شده و پس از مرگ صاحب آن، نزد کمیته ی بمبئی نگه داری می شود. این نسخه، دستنویس به سامان جدید، و مجموعه ای از همه ی متن های اوستایی است.

### Pt1 (پشوتن جی بهرام جی سنجانا، دستور در بمبئی)

این دستنویس، نسخه ای از خرده اوستا به همراه متن کامل یشت ها است با 543 برگ که 10 برگ آغازین آن گم شده و سپس به دست خط شخص دیگری بازنویسی شده. این دستنویس مربوط به سال 994 یزدگردی (=1625 میلادی) و کاتب آن "هیربد داراب" از اخلاف "هرمزباز رامیار" بوده است. این دستنویس شامل نیایش های آغازین، نیایش 1-5 (برگه های 15-45)، دعا ستایش (برگه ی 46)، آفرینگان دهمان، گاهنبار و رپیشون (برگه های 134، 138، 143، 150)، پازند آفرین ها، بخش های اوستا (برگه های 203، 207، 208، 238، 248)، آفرین زردشت (برگه ی 218)، نیرنگ ها و همه ی یشت ها، به ترتیب مرسوم، (برگه های 256 تا پایان) است.

### پیشینه ی پژوهش

دارمستتر در کتاب زند اوستا Le Zand-Avesta به زبان فرانسه، در سال 1892-1893، وولف در ترجمه ی کامل خود از اوستا Avesta Die Heiligen Bucher Der Parsen به زبان آلمانی، در سال 1910 و لومل در کتاب یشت اوستا Die Yašt's Die Awesta در سال 1927 به زبان آلمانی، این یشت را ترجمه کرده اند. پوردادود در کتاب یشت ها و دوستخواه در اوستا کهن ترین سرود های ایرانیان این یشت را، به زبان فارسی، ترجمه کرده اند (برای همه ← کتاب نامه).

### روش کار

پژوهش حاضر گزارشی است از یشت پانزدهم اوستا، رام یشت، که شامل پیشگفتار، متن اوستایی بر اساس تصحیح گلدنر، حرف نویسی، ترجمه، یادداشت ها و واژه نامه است. حرف نویسی به شیوه ی هوفمان انجام شده، همه ی واژه ها زیر ستاک ضعیف داده شده و صفت های فاعلی و مفعولی زیر ریشه، در واژه نامه آورده شده و در ردیف الفبایی خود نیز آمده است. تصحیحات با



نشانه ی <sup>+</sup> در کنار واژه مشخص شده است. مقوله ی دستوری هر واژه در برابر ستاک و صورت های صرفی با ذکر حالت های صرفی زیر ستاک و در هر مورد با شماره ی بند و بسامد آن واژه در همان بند با شماره ای بر روی آن آمده، نیز صفحه ی واژه نامه ی بارتولومه که واژه در آن آمده مشخص شده است.

کوشش شده با توجه به تلاش های پیشین، ترجمه ای روان و منطبق با حالات دستوری واژه ها ارائه گردد. به واژه های مبهم که تا کنون اتفاق نظری در مورد آنها نبوده، تا حد امکان در یادداشت ها پرداخته شده است.

شایان ذکر است که یک دست نبودن نام های خاص، به دلیل نقل قول از برخی منابع ترجمه است که نام های خاص به دو یا چند صورت مختلف و حتی گاه نادرست ضبط شده اند.

متن اوستایی

15.  
Râm Yasht.

1) ...  
 2) ...  
 3) ...  
 4) ...  
 5) ...

...  
 ...  
 ...

1.

...  
 ...  
 ...  
 ...

1

...  
 ...  
 ...

...  
 ...  
 ...  
 ...

2

— Fl. Et have the Pahlavi superscription: dōdāsbānō šar-  
gard: šapir yasht frāthm kard hām ('Teellū, Engsted: be-  
ginning of the first Karde of the good [Vāčī] Yasht').

1) cf. Ny. 2.4. — 2) cf. Ny. 1.3. — 3) cf. Ny. 1.2. —  
 4) Et. Pr. K16. Jro append here ... which  
 is wanting in Fl. M12. — 5) cf. V. 22.4.

0

1) Jro. M12; ... — 2) ...  
 — 3) ... — 4) ... — 5) Fl.  
 Pr. Et. K16; ... Jro. M12.

1

1) Fl. Pr; ... — 2) Fl.  
 Jro; ... — 3) Fl. Pr. Et. K16; ...  
 K40. — 4) Fl. Pr. Et; ... — 5) Fl. Pr. Et.  
 K16; ... Jro.

0

15. Râm Yasht.

Mss.: Fl. Pr. Et. K16 (to Par. 13). 22.40. Jro. M12.



...  
 13 ...  
 14 ...  
 15 ...  
 16 ...  
 17 ...  
 18 ...  
 19 ...  
 20 ...  
 21 ...  
 22 ...  
 23 ...

...  
 17 ...  
 18 ...  
 19 ...  
 20 ...  
 21 ...  
 22 ...  
 23 ...

12 1) J10; cf. Par. 1.  
 15 1) Fr. P11. B1. M12; ... 2) Par. 2.  
 16 1) Fr. P11. B1. K16; J10; ... K40. — 2) Fr. P11. B1. K15; J10; ... M12; K40; cf. V. 5,4. — 3) deest M12. — 4) Fr. P11. B1. K15; ... J10; K40 has instead of lais ... M12 built. — 5) Fr. P11. B1. K16; ... J10. M12. — 6) Fr. P11. B1. K16; ... J10. — 7) Fr. P11. B1. K16; ... J10. — 8) Fr. P11. B1. M 2; ... K40; ... J10; in K16 wanting up to ... — 9) ... Fr. B1. M12; ... P11; ... J10. — 10) Fr.

P11. B1. K16. M12; deest K12; in J10 appended above the line.  
 17 1) Par. 1-2.  
 19 1) Fr. P11. B1. K16; ... K40,19; ... J10. — 2) Par. 2.  
 20 1) ... Fr. P11. B1. J10; ... K16; ... K40; cf. V. 5,4. — 2) Fr. P11. B1. K16; ... K16. — 3) ... Fr. P11.  
 21 1) J10. M12 append here the words ... etc. (from Par. 4.

